**شناسايي مشکلات فراروي موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي در شهرستان زنجان**

**چکیده**

امروزه تعاونی­ها به عنوان ابزاري كارآمد در توانمندسازي و توسعه جوامع روستايي، يكي از اركان اصلي در نظام اقتصادي جمهوري اسلامي ايران به شمار مي­روند. امَا، عرصه­هاي جدید اقتصادي، فرهنگي و روابط اجتماعي موجب شده که تعاوني­ها در عصر حاضر با شرايط جديدي روبرو شوند که بدون سازگاري با آنها نمي­توانند به حيات خود ادامه دهند. از این رو، تحقيق توصيفي- پيمايشي حاضر با هدف شناسايي مشکلات فراروي موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي در شهرستان زنجان انجام گرفت. جامعه آماري اين تحقيق را 3500 نفر از اعضاي تعاوني­هاي توسعه روستايي در شهرستان زنجان تشکيل مي­دادند که با توجه به جدول كرجسي- مورگان، تعداد 315 نفر از آنان از طريق نمونه­گيري طبقه­اي با انتساب متناسب انتخاب شدند. براي گردآوري داده‌ها از پرسشنامه استفاده گرديد. روايي محتوايي پرسشنامه با نظر پانلي از متخصصان مورد تاييد قرار گرفت. براي تعيين پايايي ابزار تحقيق پيش‌آزمون انجام گرفت كه مقدار آلفاي كرونباخ محاسبه شده براي مقياس­ اصلي پرسشنامه در حد مناسب بود. نتايج حاصل از اولويت­بندي مشکلات فراروي موفقيت تعاوني­هاي مورد مطالعه نشان داد که چهار گويه عدم برخورداري اعضاي تعاوني از تجربه و تخصص هاي لازم، پايين بودن سطح تجارب و مهارت حرفه اي مديران و اعضاي تعاوني­ها، پايين بودن سطح خود باوري و اعتماد به نفس اعضاي تعاوني ها و ساختار بالا به پايين و نبود اختيارات کافي نزد اعضا در انجام وظايف، بيشترين ميزان اولويت را کسب نموده­اند. همچنين، بر اساس يافته­هاي پژوهش، دو گويه بالا بودن نرخ بهره و سود باز پرداخت وام ها و وجود قوانين نامناسب مالياتي براي تعاوني­ها، داراي کمترين ميزان اولويت از ديدگاه پاسخگويان بوده­اند.

**واژه­های کلیدی:** تعاوني توسعه روستايي، موفقيت، مشکلات.

**مقدمه**

بخش تعاون به عنوان يكي از اركان اصلي در نظام اقتصادي جمهوري اسلامي ايران، مورد توجه برنامه­ريزان كشور قرار دارد و به منظور تحقق اهداف اقتصادي، هدايت فعاليت­ها به سمت بخش تعاون از اهميت ويژه ­اي برخوردار است. از سوي ديگر، در برنامه بلندمدت افق چشم انداز توسعه اقتصادي كشور، به فعاليت­هاي اقتصادي در بخش تعاون توجه دوچنداني شده و برنامه­ريزان براي مقابله با بحران­هاي اقتصادي كشور و رفع وابستگي به ويژه در زمينه مواد غذايي، كاهش نرخ بيكاري و افزايش شاخص­هاي رفاه اجتماعي نگاه خود را معطوف بخش تعاون نموده­اند. در اين راستا، شناخت مشكلات و تعيين اولويت­ها در برنامه­ريزي و سياست­گذاري در سطح فعاليت­هاي تعاوني­ها از اهميت و ضرورت خاصي براي نيل به اهداف يادشده برخوردار است (انصاری، 1381). در اين ارتباط مي­توان گفت بعد از انقلاب اسلامي استراتژي تعاوني­ها به عنوان رهيافتي مهم در توسعه روستايي مورد توجه دولت­مردان و سياست­گذاران قرار گرفت و نه تنها به عنوان ابزاري كارآمد در ايجاد اشتغال روستايي قلمداد شد بلكه به عنوان هدف در توانمندسازي و توسعه جوامع روستايي به كار گرفته شد (شعبانعلي فمي و همکاران، 1385). همچنين، مطالعات انجام شده در خصوص بررسي موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي نشان مي­دهد كه شركت­هاي تعاوني توليد روستايي تا حدودي از مسير اصلي خود جدا شده و به مراكز خدمات كشاورزي تبديل شده­اند (حيدري ساربان، 1390).

امروزه، تحولات هزاره سوم ميلادي در عرصه­هاي اقتصادي، فرهنگي و روابط اجتماعي موجب شده است که تعاوني­ها در عصر حاضر با شرايط جديدي روبرو شوند که بدون سازگاري با آنها نمي­توانند به حيات خود ادامه دهند. در کشورهاي صنعتي، دولت از طريق طراحي چارچوب­هايي براي توسعه تعاوني ها در ابعاد اقتصادي، اجتماعي و سياسي، گام­هاي موثري برداشته است؛ اما کشورهاي در حال توسعه در اين راه با موانع بسياري همچون مشکلات ساختاري، عدم تطبيق انتظارات، عدم شفافيت سياست­گذاري­ها، فقدان شرايط استاندارد محيطي و افزايش غيرطبيعي تعاوني­ها به لحاظ کمي مواجه­اند. به تبع مشکلات فراروي تعاوني­ها در کشورهاي در حال توسعه، کشور ما نيز با اين مشکلات مواجه است (عباسي و همکاران، 1388). با توجه به ماهيت شرکت­هاي تعاوني توسعه روستايي و نقش عمده­اي که اين تشکل­ها مي­توانند در دستيابي به توسعه پايدار روستايي داشته باشند، تشکيل و راه­اندازي آنها طي چند سال اخير در مناطق روستايي استان زنجان نيز مورد توجه قرار گرفته است به نحوي که در حال حاضر 80 تعاوني توسعه روستايي با داشتن 10596 عضو، در شهرستان­هاي مختلف استان زنجان در حال فعاليت مي­باشند. سرمايه ثبتي اين شرکت­ها 21/951 ميليون ريال مي­باشد که پيش­بيني شده بود پس از تشکيل بتوانند از طريق فراهم ساختن بسترها و زمينه­هاي لازم براي توسعه کارآفريني و اشتغال­زايي در زمينه­هاي مختلف در سطح مناطق روستايي، در حدود 2019 فرصت شغلي را ايجاد نمايند (اداره تعاون، 1388)؛ ولي عليرغم گذشت چند سال از فعاليت اين تعاوني­ها، بنا به دلايل مختلف اين موضوع تا حدود زيادي محقق نگرديده و مديران و اعضاي تعاوني­ها همواره با مسايل و مشکلات متعددي در ابعاد مختلف اجتماعي- فرهنگي، اقتصادي، سازماني، ساختاري و غيره براي دستيابي به اهداف پيش­بيني شده خود مواجه بوده­اند که سبب شده است تا اين تعاوني­ها به موفقيت چنداني دست نيابند و نتوانند موجبات توسعه و پيشرفت مناطق روستايي را فراهم سازند. بدون ترديد، برنامه­ريزي براي حل چنين مشکلاتي بدون طرح و انجام مطالعاتي دقيق در منطقه مورد مطالعه امکان پذير نخواهد بود؛ از اين­رو با توجه به اهميت و ضرورت موضوع، تحقيق حاضر با هدف شناسايي مشکلات فراروي موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي در شهرستان زنجان انجام گرفت.

**روش شناسي**

تحقيق حاضر از لحاظ ميزان و درجه كنترل، غيرآزمايشي و توصيفي، از نظر نحوه گردآوري داده‌ها، ميداني و در نهايت به لحاظ قابليت تعميم يافته‌ها، از نوع پيمايشي محسوب مي‌شود. جامعه آماري اين تحقيق را 3500 نفر از اعضاي تعاوني­هاي توسعه روستايي در شهرستان زنجان تشکيل مي­دادند که با توجه به جدول كرجسي- مورگان، تعداد 315 نفر از آنان از طريق نمونه­گيري طبقه­اي با انتساب متناسب انتخاب شدند.

ابزار گردآوري داده‌ها پرسشنامه بود که از دو بخش مشخصه‌هاي فردي و حرفه‌اي پاسخگويان و ديدگاه افراد نسبت به ميزان اهميت هر يک از مشکلات فراروي موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي (شامل 29 پرسش) تشکيل شده بود که براي اندازه‌گيري بخش دوم، از طيف ليکرت 5 سطحي (يک= خيلي کم تا 5= خيلي زياد) استفاده گرديد. روايي پرسشنامه با نظر پانل متخصصان و پس از انجام اصلاحات لازم به دست آمد. براي تعيين اعتبار پرسشنامه، پيش آزمون انجام گرفت که مقدار آلفاي كرونباخ محاسبه شده مقياس مشکلات فراروي موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي 76/0 بود. داده­هاي گردآوري شده با استفاده از نرم­افزار SPSS پردازش گرديد.

**يافته­ها**

بر اساس نتايج به دست آمده، ميانگين سن پاسخگويان 44/40 سال با انحراف معيار 97/4 سال بود. از نظر جنس، بيشتر پاسخگويان (6/91 درصد) مرد و تنها در حدود 4/8 درصد زن بودند. به لحاظ سابقه کار کشاورزي، نتايج نشان داد که ميانگين اين متغير 96/17 سال با انحراف معيار 78/3 سال بود. يافته­هاي تحقيق حاکي از آن بود که 2/35 درصد از تعاوني­هاي مورد مطالعه براي اعضاي خود دوره آموزشي برگزار کرده و 8/64 درصد آنها دوره برگزار نکرده بودند. ميانگين تعداد دوره­هاي آموزشي که پاسخگويان در آنها شرکت داشته­اند، در حدود 85/1 دوره بود.

نتايج حاصل از اولويت­بندي گويه­هاي مرتبط با مشکلات فراروي تعاوني­هاي مورد مطالعه از ديدگاه پاسخگويان در جدول (1) آورده شده است. بر اساس نتايج بدست آمده، پنج گويه عدم برخورداري اعضاي تعاوني از تجربه و تخصص هاي لازم، پايين بودن سطح تجارب و مهارت حرفه اي مديران و اعضاي تعاوني ها، پايين بودن سطح خود باوري و اعتماد به نفس اعضاي تعاوني ها، ساختار بالا به پايين و نبود اختيارات کافي نزد اعضا در انجام وظايف و نبود بازار مناسب براي ارائه توليدات و خدمات، بيشترين ميزان اولويت را کسب نموده­اند. همچنين، پنج گويه عدم سوددهي شرکت، عدم دسترسي به فناوري هاي نوين به ويژه فناوري هاي اطلاعاتي و ارتباطي، کمبود منابع مالي و عدم نقدينگي کافي در تعاوني ها، بالا بودن نرخ بهره و سود باز پرداخت وام ها و وجود قوانين نامناسب مالياتي براي تعاوني ها، داراي کمترين ميزان اولويت از ديدگاه پاسخگويان بوده­اند.

**جدول 1- اولويت­بندي مشکلات فراروي موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي از ديدگاه پاسخگويان**

|  |  |  |  |  |
| --- | --- | --- | --- | --- |
| اولويت | گويه | ميانگين🟏 | انحراف معيار | ضريب تغييرات |
| 1 | عدم برخورداري اعضاي تعاوني از تجربه و تخصص هاي لازم | 29/3 | 12/1 | 34/0 |
| 2 | پايين بودن سطح تجارب و مهارت حرفه اي مديران و اعضاي تعاوني ها | 33/3 | 18/1 | 354/0 |
| 3 | پايين بودن سطح خود باوري و اعتماد به نفس اعضاي تعاوني ها | 88/2 | 03/1 | 357/0 |
| 4 | ساختار بالا به پايين و نبود اختيارات کافي نزد اعضا در انجام وظايف | 71/2 | 97/0 | 358/0 |
| 5 | نبود بازار مناسب براي ارائه توليدات و خدمات | 36/3 | 24/1 | 36/0 |
| 6 | وجود سيستم نظارت و کنترل انعطاف ناپذير (کنترل شديد) در تعاوني ها | 80/2 | 07/1 | 362/0 |
| 7 | مشارکت ندادن اعضا در فرايند برنامه ريزي و مديريت فعاليت ها | 09/3 | 14/1 | 368/0 |
| 8 | پايين بودن سطح مهارت هاي ارتباطي اعضاي تعاوني ها | 72/2 | 02/1 | 37/0 |
| 9 | پايين بودن قدرت نوآوري، خلاقيت وايده پردازي اعضا و مديران تعا ونيها | 87/2 | 06/1 | 372/0 |
| 10 | پايين بودن سطح آگاهي و آشنايي اعضا و هيئت مديره با فلسفه، اصول و قوانين تعاوني ها | 04/3 | 15/1 | 378/0 |
| 11 | عدم اعتماد اعضاي تعاوني ها به يک ديگرو به مديران | 99/2 | 13/1 | 3799/0 |
| 12 | عدم وجود روحيه مسوليت پذيري دراعضاي تعاوني ها | 91/2 | 11/1 | 381/0 |
| 13 | پايين بودن سطح تحصيلات اعضا و مديران تعاوني­ها | 15/3 | 21/1 | 383/0 |
| 14 | مشخص نبودن جايگاه حقوقي تعاوني ها | 24/3 | 25/1 | 386/0 |
| 15 | نبود نظارت مناسب بر نحوه مصرف و هزينه کرد وام­ها | 51/3 | 37/1 | 388/0 |
| 16 | نبود امنيت اقتصادي لازم براي گسترش و توسعه فعاليت تعاوني ها | 54/3 | 39/1 | 391/0 |
| 17 | نبود يک سيستم ارزيابي عملکرد مناسب در تعاوني ها | 57/2 | 1 | 39220/0 |
| 18 | عدم حمايت کافي بانک ها و ديگر موسسات مالي براي تامين منابع مالي مورد نياز تعاوني ها | 27/3 | 46/1 | 39227/0 |
| 19 | پايين بودن ارزش و جايگاه تعاوني ها در بين اعضاي جامعه | 12/3 | 22/1 | 39228/0 |
| 20 | ساختار بروکراتيک و حجم زياد وظايف روزمره اعضا و مديران | 72/2 | 06/1 | 3924/0 |
| 21 | عدم آشنايي ومهارت اعضاي تعاوني ها در استفاده از فناوري هاي ارتباطي و اطلاعاتي | 84/2 | 12/1 | 394/0 |
| 22 | تدوين مقررات دست و پاگير و غير اثر بخش براي تعاوني ها | 18/3 | 26/1 | 395/0 |
| 23 | نبود ثبات دولتي کافي در حمايت از تعاوني ها | 52/3 | 44/1 | 401/0 |
| 24 | نبود يا ضعف حمايت هاي ارائه شده از سوي دولت | 64/3 | 46/1 | 409/0 |
| 25 | عدم سوددهي شرکت | 67/3 | 51/1 | 413/0 |
| 26 | عدم دسترسي به فناوري هاي نوين به ويژه فناوري هاي اطلاعاتي و ارتباطي | 68/2 | 10/1 | 414/0 |
| 27 | کمبود منابع مالي و عدم نقدينگي کافي در تعاوني ها | 59/3 | 64/1 | 45/0 |
| 28 | بالا بودن نرخ بهره و سود باز پرداخت وام ها | 07/3 | 41/1 | 46/0 |
| 29 | وجود قوانين نامناسب مالياتي براي تعاوني ها | 72/2 | 31/1 | 48/0 |

\*(مقياس: خيلي کم=1 کم= 2 متوسط=3 زياد=4 خيلي زياد= 5)

**بحث و نتيجه­گيري**

بر اساس نتايج کسب شده مي­توان نتيجه گرفت که تعاوني­هاي توسعه روستايي در سطح شهرستان زنجان با مسايل و مشکلات متعددي در ابعاد گوناگون مواجه مي­باشند که در مجموع سبب گرديده است تا ميزان کارايي و اثربخشي آنها تا حدود زيادي کاسته شده و آنها نتوانند بر اساس ماهيت و ماموريت اصلي خود، خدمات مناسبي را به گروه­هاي مختلف روستاييان ارايه دهند. در اين خصوص همانطور که نتايج نشان مي­دهد مهمترين مشکل تعاوني­ها از ديدگاه پاسخگويان کافي نبودن سطح تجربه و مهارت حرفه­اي اعضا و مديران تعاوني از يک سو و نداشتن تخصص­هاي لازم از سوي آنان براي انجام وظايف محوله از سوي ديگر مي­باشد. براي نمونه، نتايج تحقيق نشان داد که سطح تحصيلات بيشتر اعضا به ويژه مديران تعاوني­هاي پايين بودن و يا اينکه آنان از تجربه کاري مناسبي برخوردار نيستند. افزون بر اين، نوع ساختار سازماني تعاوني­ها که بيشتر از مشخصه­هاي ساختارهاي مکانيکي تبعيت مي­نمايد، سبب شده است تا ارتباطات سازماني مناسبي بين اعضا با يکديگر و با مديران برقرار نشده، اعضا در فرايند برنامه­ريزي در تعاوني مشارکت داده نشوند و داراي قدرت ريسک­پذيري، خلاقيت و آزادي عمل مناسب براي انجام وظايف خود نباشند. آنچه مسلم است اين نوع مديريت که ماهيت مديريت غيرمشارکتي و متمرکز دارد، با روح و فلسفه تشکيل تعاوني­ها که ابعاد مشارکتي در آنها بايد برجسته باشد، در تناقض بوده و همانطور که اشاره شد سبب گرديده است تا کارايي آنها کاهش يابد. علاوه بر موارد اشاره شده که بيشتر جنبه درون سازماني داشتند، تعاوني­ها با يکسري مشکلات برون سازماني نيز مواجه هستند که بر اساس نتايج تحقيق از مهمترين آنها مي­توان به نبود بازار مناسب براي ارائه توليدات و خدمات اشاره داشت که منجر به انگيزه­زدايي و دلسردي اعضاي تعاوني­ها براي فعاليت­هاي توليدي شده است. بر اساس مطالب اشاره شده جهت بهبود سطح موفقيت تعاوني­هاي توسعه روستايي پيشنهادهاي زير ارايه مي­گردد:

1- مديران بايد مشارکت تمامي اعضاي تعاوني را در تصميم­گيري از مرحله برنامه­ريزي تا اجرا در فعاليت­ها خواستار باشند و از آن­ها حمايت کنند؛

2- تجديد نظر در ساختار و سلسله مراتب تعاوني­ها با رويکرد به حداقل رساندن پيچيدگي، تمرکز، و رسميت؛

4- با توجه به تأثير ويژگي هاي مديريت و ويژگي هاي شخصيتي كاركنان، اعضا و مديران در توفيق تعاوني­ها، انتخاب مديران شايسته، مجرب، مستعد، آگاه به قوانين و با تحصيلات بالا و سرمايه آورده مكفي و در كنار آن برگزاري كارگاه­هاي آموزشي براي آنان در زمينه موضوعات مختلف (كه موجب تقويت اعتماد به نفس افراد، تغيير نگرش كاركنان به ويژه مديران به سوي مديريت مشاركتي، افزايش ريسك پذيري كاركنان، آينده نگري و استفاده از فرصت ها توسط افراد شوند) ضروري است.

4- با توجه به تأثير خدمات بازاريابي در تقويت فعاليت­هاي شركت­هاي تعاوني و موفقيت آنها، تشكيل شركت­هاي تعاوني خدماتي در زمينه فعاليت هاي بازاريابي و بازارسازي محصولات نظير انبار، سردخانه و صنايع تبديلي محصولات و همچنين هدايت تسهيلات حمايتي اداره كل تعاون به فعاليت هاي مذكور در جهت تقويت سرمايه مورد نياز آنها پيشنهاد مي­شود.

**فهرست منابع**

انصاري، ح. (1381). *پژوهشي در تعاوني‌هاي روستايي ايران (مطالعه موردي: شركت‌ تعاوني روستايي شباهنگ شهريار)*. قم: انتشارات ام ابيها.

شعبانعلي فمي، ح.، چوبچيان، ش.، رحيم زاده، م.، و رسولي، ف. (1385). شناخت و تحليل سازه­هاي موفقيت شركت­هاي تعاوني زنان در ايران. *فصلنامه مطالعات زنان*، دوره 4، شماره 2، صص 109-89.

حيدري ساربان، و. (1390). بررسي عوامل موثر بر موفقيت تعاوني­هاي توليد روستايي (مطالعه موردي: شهرستان پارس­آباد*). فصلنامه نگرش هاي نو در جغرافياي انساني*، شماره 13، صص 164- 151.

عباسي، ر.، رسول­زاده، ب.، و عباسي، پ. (1388). عوامل مؤثر بر موفقيت و عدم موفقيت تعاوني­هاي توليدي استان اردبيل. *مجله تعاون*، دوره 20، شماره 211/210، صص 90- 70.

اداره تعاون استان زنجان (1388). *گزارش عملکرد تشکيل تعاوني­هاي توسعه روستايي و تعاوني­هاي دهياري.* وزارت تعاون، اداره کل تعاون استان زنجان، معاونت امور تعاوني­ها.